



حضور چهره‌های سینما و تلویزیون در تئاتر؛ بررسی زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی

پژوهش «حضور چهره‌های سینما و تلویزیون در تئاتر؛ بررسی زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی» را زهرا پرهون در سال ۱۳۹۸ در پژوهشکده هنر پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات انجام داده است.

در دنیای امروز، هیچ مقوله‌ای از دایره آثار اقتصادی بیرون نیست. چنانکه تحولات اقتصادی و پیرو آن تغییرهای اجتماعی، تأثیر مستقیمی بر نظام هنر، از جمله هنر نمایش دارد. با نگاهی به تاریخ تئاتر، می‌توان دریافت شرایط اقتصادی، همواره در شکل‌گیری انواع هنرهای نمایشی و پدید آمدن گروه‌های مختلفی از مخاطب با سلیقه‌های گوناگون مؤثر بوده است. محققان بر این باورند، اگر از هنر، به‌ویژه هنر نمایش، فقط انتظار تأمین نیازهای مادی برود، آنگاه تا سطح کالایی اقتصادی، تنزل مقام می‌یابد. پس خواه‌ناخواه، رکود یا رونق اقتصادی، در وضعیت هنر تأثیر دارد. این مسئله، در بردارنده اهمیت بررسی شرایط اقتصادی هنر است. شکوفایی اقتصاد هنر با شکوفایی اقتصاد کشورها، رابطه‌ای تنگاتنگ دارد. مشکلات و آسیب‌های اجتماعی – که از اقتصاد ناسالم نشئت می‌گیرد- بر هنر جامعه تأثیر می‌گذارد و افزون بر تأثیر مستقیم بر کمیت تولید آثار هنری، بر کیفیت آن نیز اثر گذاشته و همچنین سمت‌وسوی فکری هنر، هنرمند و مخاطبان را تغییر می‌دهد. در چنین شرایطی اثرگذاری اجتماعی، فکری و فرهنگی آثار نمایشی بر لایه‌ها و سطوح مختلف مخاطبان و کنشگران دولتی و غیردولتی از دست می‌رود. به عبارتی دیگر غلبه نگاه سودآوری در هنر تئاتر بر رویکرد آموزشی و فرهنگ‌سازی این هنر، موجب می‌شود تئاتر از خاستگاه و کارکردهای اصیل دور شود و چه‌بسا در سایه مولفه‌های تجاری نیز خاصیت اندیشه‌پرووری آن از دست رود.

تحولات اقتصادی بین سال‌های ۹۵-۱۳۸۰ در ایران، زمینه‌ساز تغییرهایی در نظام اقتصادی هنر تئاتر و مناسبات آن با دولت شد. یکی از این تغییرها، حضور چهره‌های سینما و تلویزیون در تئاتر بود که بر سازوکار مالی نهاد تئاتر و نظام تقاضا، تولید و عرضه آن تأثیر بسیاری گذاشت؛ آثاری که در سال‌های اخیر، تبدیل به یکی از چالش‌های هنر تئاتر و هنرمندانش شد و نیازمند آسیب‌شناسی عمیق و ارائه راهکارهای کارآمد است. پس در این گزارش، به واکاوی علل اقتصادی حضور چهره‌های دو صنعت-هنر سینما و تلویزیون در هنر تئاتر پرداخته شده است، تا با کشف و صورت‌بندی این علل، مسیر برای ارائه راهکارهای حضور ساختارمند و مفید چهره‌های دو رسانه مذکور در صحنه تئاتر، هموار شود. فقدان شناخت علمی از روند تغییرات اقتصادی و سویه‌های اجتماعی این تغییرات در جامعه ایران و آثار ناشی از آن بر پیکره تئاتر ایران، موجب کم‌آگاهی سیاست‌گذاران فرهنگی و هنری میدان تئاتر کشور، برای تصمیم‌گیری درباره شیوه حضور چهره‌های سینما و تلویزیون در تئاتر خواهد شد.

آنچه را امروزه با عنوان مسئله حضور بی‌رویه چهره‌های سینما و تلویزیون در پیکره فراگیر تئاتر کشور مطرح است، می‌توان در چهار بخش، ریشه‌یابی کرد:

دگرگونی‌های اقتصادی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۵ که موجب قوت‌گیری طبقه‌ای اجتماعی، موسوم به نوکیسه شد. زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی خاص حاکم بر ایران که سبب تشدید مصرف‌گرایی در جامعه و گرویدن به کالاهای هنری لوکس شد.

روند بی‌سروسامانی شکل‌گیری و توسعه تئاتر خصوصی در ایران.

ویژگی‌های خاصی که سینما و تلویزیون در چهره‌سازی دارد.

هر کدام از این چهار محور، دارای سهمی است که موجب شده استفاده از چهره‌های سینمایی و تلویزیونی، اندک‌اندک تبدیل به یک عامل اصلی در به روی صحنه رفتن یک نمایش در تماشاخانه‌های خصوصی شود. این رویه نیز کنار مزایایی مانند رونق سازوکار مالی تئاتر خصوصی و همچنین آشناسازی مردم با تئاتر، معایبی داشته که مهم‌ترین آن به حاشیه راندن تئاتر اندیشه‌محور کشور و تنزل فهم تئاتر در جامعه است. دو موضوعی که باعث می‌شود تئاتر از ماهیت و کارکرد اصیل، که اندیشه‌پروری است، دور شود.

در نگارش این گزارش، ضمن بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، از نظرسنجی (با حجم نمونه ۱۲۰ نفر) و مصاحبه با هشت نفر از صاحب‌نظران عرصه تئاتر نیز بهره گرفته شده است. همچنین از شیوه توصیفی-تحلیلی برای تبیین و تشریح مطالب استفاده شده است. این گزارش، از پایان‌نامه‌ای به قلم نگارنده، با عنوان بررسی تحولات اجتماعی-اقتصادی سال‌های ۹۵-۱۳۸۰ ایران و تأثیر آن بر حضور چهره‌های سینما و تلویزیون در تئاتر استخراج و متناسب با مخاطبان گزارش، بخش‌هایی به آن اضافه شده است. محمدرضا خاکی، استاد راهنمای این پایان‌نامه بود که در دانشگاه تربیت مدرس و در اردیبهشت ۱۳۹۷ دفاع شده است.